

کاردرمانی از دیدگاه ویکتور فرانکل و سنجش آن با آموزه‌های اسلام در سبک زندگی

معصومه نوازی^{۱*}، محمدعلی حیدری مزرعه‌آخوند^۲، بهمانعلی دهقان منگابادی^۳

چکیده

زمینه و هدف: یکی از راه‌های معناداری زندگی، انجام دادن کار است. ویکتور فرانکل در روش معنادرمانی خود از کار به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های معنادرمانی یاد می‌کند. کاردرمانی به معنای انجام کار، خلق و پدیدآوردن اثر و پذیرفتن مسئولیت در زندگی است. این روش عامل مهمی در سلامت روان و احساس معنا در سبک زندگی فرد است. از این‌رو این پژوهش با هدف سنجش مؤلفه‌های کاردرمانی فرانکل با آموزه‌های اسلام در سبک زندگی سامان‌یافته است.

روش‌شناسی: در این پژوهش تلاش شده است تا به شیوه توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی دیدگاه ویکتور فرانکل در روش کاردرمانی با آموزه‌های اسلام به‌عنوان نمونه‌ای از سبک زندگی صحیح موردبررسی و سنجش قرار گیرد. **یافته‌ها:** با بررسی کاردرمانی از دیدگاه فرانکل و سنجش آن با آموزه‌های اسلام این نتایج حاصل شد که فرانکل در بحث کار مؤلفه‌هایی چون کار و معناداری، کار و سلامت روح و جسم، کار و اخلاص، کار امیدواری، کار و مسئولیت‌پذیری و کار و تخصص را مطرح کرده است.

نتیجه‌گیری: بین مؤلفه‌های کاردرمانی فرانکل با آموزه‌های اسلام هم‌سوئی دیده می‌شود با این تفاوت که در مؤلفه کار و معناداری، آموزه‌های اسلام جایگاه و اهمیت کار را بسیار بالاتر از فرانکل و در ردیف عبادت و جهاد در راه خدا معرفی کرده است. در مؤلفه کار و امیدواری، آموزه‌های اسلام امید را منحصر به رحمت خداوند دانسته و فرانکل به مطلق امید اشاره کرده و در مؤلفه کار و تخصص، آموزه‌های اسلام بر دو اصل تخصص و امانت‌داری تأکید بیشتری داشته‌اند درحالی‌که فرانکل به عنصر امانت‌داری اشاره‌ای نکردند.

کلمات کلیدی: سبک زندگی، قرآن، کاردرمانی، معنادرمانی، ویکتور فرانکل.

۱. *نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران. mnavazi@stu.yazd.ac.ir

۲. دانشیار گروه قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران. heydari@yazd.ac.ir

۳. دانشیار گروه قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران. badehghan@yazd.ac.ir

مقدمه

امروزه مشاوران و روان‌شناسان برای مقابله با بیماری‌های روحی و روانی راهکارهایی چون معنویت‌درمانی، واقعیت‌درمانی، روان‌درمانی، امیددرمانی، قصه‌درمانی، خلاقیت‌درمانی و شفقت‌درمانی را ارائه داده‌اند. با این روش‌ها به افراد کمک می‌کنند تا با مشکلات روحی و روانی خود بهتر کنار بیایند و زندگی با کیفیت‌تری تجربه کنند. این انواع درمان در رفع مشکلات بشر همچون افسردگی، اضطراب، تجربیات ناخوشایند، فوبیا، اختلال خواب و... نقش کلیدی دارند که متناسب با شرایط خاص بیمار به کار گرفته می‌شوند. ویکتور فرانکل روان‌پزشک و پدیدآورنده مکتب معنادرمانی با روش معنادرمانی به درمان بیماران خود می‌پرداخت. در معنادرمانی بیمار در جهتی راهنمایی می‌شود و با وضعی روبه‌رو می‌گردد که معنی زندگی و فلسفه حیات خویش را بیابد. وی در این روش به مؤلفه‌هایی چون کاردرمانی، رنج‌درمانی، مرگ‌درمانی و اختیاردرمانی اشاره کرده است. انسان با به‌کارگیری روش کاردرمانی افزون بر آن که نیازهای مالی خود را تأمین می‌کند به سلامت روان خود نیز کمک نموده و به زندگی‌اش معنا و مفهوم می‌بخشد. مؤلفه‌های فرانکل در کاردرمانی؛ کار و معناداری، کار و سلامت روح و جسم، کار و اخلاص، کار امیدواری، کار و مسئولیت‌پذیری و کار و تخصص است. این مفهوم در قرآن کریم نیز مورد توجه قرار گرفته به‌گونه‌ای که خداوند در آیات «إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى» (لیل: ۴)، «لَتَبْتَغُوا فِضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ» (اسراء: ۱۲)، «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» (شرح: ۷). به انجام کار و تلاش تأکید کرده است. در روایات اهل‌بیت (ع) نیز به این مفهوم اشاره شده است. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: کارکنید و آن را به پایان رسانید و در آن پایداری کنید، آن‌گاه شکیبایی ورزید و پارسا باشید (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۷۶). ایشان هم‌چنین در روایت دیگری درباره سخت‌کوشی می‌فرماید: «به طاعت خدای سبحان دست نیابد مگر کسی

معصومه نوازی و همکاران

که تلاش کند و نهایت کوشش خود را به کار گیرد» (۱). در این پژوهش تلاش می‌شود تا مؤلفه‌های کاردرمانی فرانکل با آموزه‌های اسلام موردبررسی و سنجش قرار گیرد و از این طریق بابتی جدید در درمان بیماری‌های روحی و روانی از قرآن کریم استخراج شود. از این‌رو سؤال اصلی پژوهش بر این مبنا استوار است که تا چه میزان کاردرمانی و مؤلفه‌های آن می‌تواند در درمان بیماری‌های روحی و روانی مؤثر واقع شود؟

روش پژوهش: پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی انجام شده است. تلاش شده تا ابتدا مؤلفه‌های کاردرمانی فرانکل استخراج شود، سپس با آموزه‌های اسلام موردبررسی و سنجش قرار گیرد. آیات قرآن کریم، روایات اهل‌بیت (ع)، منابع تفسیری و کتب ویکتور فرانکل منابع مورد استفاده این پژوهش هستند.

ویکتور فرانکل و معنادرمانی

ویکتور امیل فرانکل روان‌پزشک، فیلسوف و استاد عصب‌شناسی دانشکده پزشکی دانشگاه وین ۲۶ مارس ۱۹۰۵ در وین دیده به جهان گشود. وی استاد ممتاز و بنیان‌گذار سومین مکتب روان‌درمانی یعنی معنادرمانی است (۲). معنادرمانی یا لوگوتراپی به واژه یونانی «لوگوس» که معادل «معنا» است، برمی‌گردد. بنا به گفته ویکتورفرانکل معنادرمانی عبارت است از «درمان از رهگذر معنا، شفافبخشی از رهگذر معنا یا روان‌درمانی متمرکز بر معنا» (۳). این نوع درمان فرض می‌کند که زندگی معنایی بی‌قیدوشرط دارد و معنا را هرکس، در هرکجا و در هرزمانی می‌تواند بیابد و کشف کند و زندگی عبث و بیهوده نیست (۳). بنا بر اصول معنادرمانی، تلاش برای یافتن معنی در زندگی اساسی‌ترین نیروی محرکه هر فرد در دوران زندگی اوست (۴). بنا بر عقیده فرانکل زندگی تحت هر شرایطی واجد معناست، وی از این رهگذر با معنادهی به زندگی از مفاهیمی چون کار، اختیار، رنج، مرگ، امید، عشق و... راه‌های درمان بیماری‌های روحی و روانی را استنباط و استخراج کرده است

و برای هریک قواعدی وضع نموده و هیچ‌یک از این مؤلفه‌ها را عبث و باطل نمی‌انگارد. افراد در اجتماع نیاز دارند برای زندگی خود معنایی پیدا کنند، اگر نتوانند این معنا را پیدا کنند دچار خلاء وجودی می‌شوند که منشأ اغلب ملالت‌ها و بی‌حوصلگی‌هاست (۳). از این‌رو معنادرمانی به انسان کمک می‌کند تا معنای درد و رنج‌هایش را بیابد و شرایط سخت را به آرامش و راحتی تبدیل کند (۳). در این میان وی در زندگی مفهوم کار را برگزیده در حقیقت وی می‌خواهد از طریق بها دادن به روش کاردرمانی، روان‌پریشی را درمان بخشد، در ادامه به تفصیل به بیان کاردرمانی و مؤلفه‌های مربوط به آن از دیدگاه فرانکل پرداخته می‌شود:

کاردرمانی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی از دیدگاه ویکتور فرانکل

ویکتور فرانکل یکی از مهم‌ترین راه‌های کسب معنا در زندگی را از طریق انجام دادن کار می‌داند. کاردرمانی به زندگی انسان معنا و مفهوم می‌بخشد. کار و معناداری، کار و سلامت روح و جسم، کار و اخلاص، کار و امیدواری، کار و مسئولیت‌پذیری و کار و تخصص از جمله مؤلفه‌های فرانکل در کاردرمانی است که در ادامه به تفصیل به بیان هریک پرداخته می‌شود:

کار و معناداری

فرانکل عمده‌ترین دغدغه انسانی را در برآوردن معنا و به تحقق رساندن ارزش‌ها می‌داند. او رانده شدن و ارضای انسان توسط غرایز را مردود می‌پندارد (۵). بنا بر نظر وی انسان به‌عنوان موجودی در نظر گرفته می‌شود که نیاز اصلی او به‌جای ارضای امیال و غرائز، دستیابی معنا و شکوفایی ارزش‌هاست؛ بنابراین یکی از راه‌های یافتن معنا در زندگی را از طریق ارزش‌های خلاقانه یا به تعبیر دیگر از طریق انجام دادن کار می‌داند، این همان ایده وجود سنتی است که شخص از طریق درگیر شدن در برنامه‌ها و نقش‌هایش یا به تعبیر بهتر در برنامه زندگی خودش به معنا می‌رسد. این شیوه مشتمل بر خلاقیتی

است که در هنر، موسیقی، نویسندگی، اختراع و غیره مشاهده می‌شود. فرانکل خلاقیت را همچون عشق کارکرد ناخودآگاه معنوی یعنی وجدان می‌داند (۳). بنا بر عقیده او انسان با انجام کار، کنش، خلق یا پدیدآوردن اثری قادر به معنا بخشیدن به وجود خویش است (۶). چراکه پاسخ‌دهی به پرسش‌های خاص زندگی از راه یک کنش، عملی چون به سرانجام رساندن یک کار و یا خلق یک اثر می‌تواند معنای زندگی باشد (۶). او بر این باور است که دغدغه بیکاران و جوانان پول نیست، بلکه محتوایی است برای زندگی؛ بنابراین معنادرمانی و به‌تبع آن کاردرمانی به شخص بیکار نشان می‌دهد چگونه به آزادی درون خود راه بیابد و آگاهی از مسئولیت را بیاموزد تا بتواند به زندگی سخت خویش محتوا و مفهوم بدهد. از نظر وی کار باید به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به هدف زندگی بامعنا قرار گیرد (۷). از این‌رو انسان با تحقق ارزش‌های آفریننده (خلاق) و با دسترسی به وظایفش می‌تواند به زندگی‌اش مفهوم ببخشد (۷).

کار و سلامت روح و جسم

بنا بر دیدگاه فرانکل، بیکاری پیامدهای منفی در سلامت روح و جسم فرد خواهد داشت. از نظر وی بیشتر آنانی که حرفه ندارند، خلأ فعالیت خود را چون خلأ درونی احساس می‌کنند. آنان چون شغل مشخصی ندارند خود را بی‌فایده می‌شمارند و با نداشتن کار، گویا زندگی را بی‌معنا می‌پندارند بدیهی است همان‌طور که اندام‌های تنبل بدن ممکن است جایگاهی برای میکروب باشند، تنبلی در قلمرو روان‌شناختی نیز به پیدایش پیشامدهای درونی بیمارگون منجر می‌شود یعنی بیکاری محیط کشت تکثیر روان‌نژندی‌ها می‌شود (۷). او بیماری‌های روانی ناشی از بیکاری را مواردی چون خلأ وجودی، دلمردگی و افسردگی می‌داند و بر این باور است که برجسته‌ترین نشانه این نوع روان‌نژندی، افسردگی نیست، بلکه حالتی است که آن را اصطلاحاً دلمردگی می‌نامند. شخص بیکار به‌طور فزاینده‌ای بی‌اعتنا می‌شود و بیش‌ازپیش نیروی ابتکار خود را از دست

کاردرمانی از دیدگاه ویکتور فرانکل و سنجش آن با ...

می‌دهد. این به اصطلاح دلمردگی گاه مخاطره‌انگیز است. این اشخاص در چنین حالتی چنان ناتوان می‌شوند که گاه نمی‌توانند دست کمکی که به سویشان دراز شده است بگیرند (۷). نمونه دیگر، خلأ وجودی است که شخص دچار احساس بی‌معنایی می‌شود و در تعریف آن می‌گوید: خلأ وجودی احساس کلی و غایی بی‌معنایی زندگی است. افراد مبتلابه این درد با چیزی و معنایی که موجب ارزش و تداوم زندگی می‌شود، آشنا نیستند (۴). آنچه بدین بحران دامن می‌زند، ماشینی شدن هرچه بیشتر زندگی امروزی بشر است. چون با ماشینی شدن کارها، ساعات کاری کاهش یافته و در نتیجه کارگران اوقات فراغت بیشتری دارند؛ اما بدبختی اینجاست که فرد نمی‌داند با این اوقات فراغت خود چه کند. به طور مثال نمونه آشکار این قضیه، پدیده‌ای به نام عصبیت یکشنبه است. عصبیت یکشنبه به افسردگی‌هایی اطلاق می‌شود که افراد دچارش می‌شوند چون در این روز تعطیلی، برنامه خاصی ندارند تا بتوانند اوقات فراغت خود را با آن پر کنند و خود را سرگرم نمایند (۴). علت افسردگی در عصبیت‌های یکشنبه، هجوم افکار و اندیشه‌هایی است که معمولاً فرد در روز کاری که مشغله‌های زیادی دارد، فرصت اندیشیدن به آن‌ها را نمی‌یابد. در روز تعطیل و بیکاری به ناگاه این افکار به ذهن و روان فرد هجوم می‌آورد و او متوجه می‌شود که از زندگی خود خشنود و راضی نیست و معنا و ارزشی برای توجیه این همه کار و تلاش وجود ندارد (۴). این خلأ وجودی آماری از کسانی که دست به خودکشی زده‌اند را تشکیل می‌دهد، هم‌چنین ایجاد پدیده‌هایی از جمله الکلیسم، بزهکاری جوانان و بسیاری از ناهنجاری‌های ناشی از همین احساس ناخوشایند است. البته بحران‌های کهولت و دوران بازنشستگی را نیز می‌توان در همین ردیف جای داد (۴). در مورد بیماری‌های جسمی ناشی از بیکاری نیز به سوءتغذیه و اضمحلال جسمی اشاره کرده است. بنا بر عقیده وی آثار روان‌نژندی بیکاری تنها اجتماعی نیست بلکه به‌طور مشخص

جسمی هم هست (۷).

کار و اخلاص

فرانکل بر این باور است که حرفه‌ای که هر شخص انجام می‌دهد ارزشمند نیست، بلکه بیشتر شیوه‌ی کار است که اهمیت دارد. این مسئله به حرفه بستگی ندارد، بلکه همیشه با خود انسان است، خواه عناصر شخصی و ویژه‌ای که یگانگی هستی او را تشکیل می‌دهند بر حسب حرفه بیان شده باشند تا زندگی را با معنا سازند یا نه (۷). بنا بر عقیده او هیچ شغلی تنها راه رستگاری نیست. حقیقت دارد که بسیاری از اشخاص، بیشتر آن‌هایی که حالشان رنگ و بوی روان‌نژندی دارد، بر این مسئله اصرار می‌ورزند که اگر شغل دیگری می‌داشتند می‌توانستند کامیاب باشند؛ اما این ادعا یا به علت درک نادرست از معنای اشتغال است یا ناشی از خودفریبی (۷). اگر مواردی وجود داشته باشد که در آن شغل واقعی به احساس رضایت شخص مجال بروز ندهد، گناه از شخص است نه از کار، کار فی‌الذمه نه شخص را جایگزین ناپذیر می‌سازد و نه وجودش را ضروری، تنها امکان این دو حالت را در اختیارش می‌گذارد (۷). برای مثال او معتقد است معنای کار پزشک در آنچه وی در ورای وظایف پزشکی خالص خود انجام می‌دهد، نهفته است. این معنا همان چیزی است که پزشک به‌عنوان شخصیت به‌عنوان یک موجود انسانی در کار خود اقامه می‌کند و موجب می‌شود تا هر پزشک نقش ویژه‌ی خود را داشته باشد؛ زیرا هرگاه پزشک صرفاً به هنر پزشکی توسل جوید یا صرفاً فوت‌وفن‌های این حرفه را به کار برد این مسئله به همان نتیجه‌ای خواهد رسید که این پزشک یا همکارش تزریق انجام دهد یا کار دیگری کند. تنها هنگامی که پزشک از محدوده‌ی خدمت حرفه‌ای ناب و از فوت‌وفن کسب‌وکار خویش فراتر می‌رود، آنگاه است که کار شخصی و واقعی‌اش آغاز شده است که رضایت درونی او را فراهم می‌آورد (۷). یا در مورد پرستاران بر این باور است پرستاران سرنگ‌ها را ضد عفونی می‌کنند، ملافه‌ها را عوض

می‌کنند و همه کارهای لازم را انجام می‌دهند ولی این کارها بیهودگی خود به‌ندرت می‌تواند روح آدمی را راضی کند. ولی وقتی پرستاری کار کوچکی فراتر از وظایفی که به او محول شده انجام می‌دهد، مثلاً به بیماری که وضعیت وخیمی دارد کلامی از ته دل می‌گوید آن وقت است که از طریق کارش به زندگی خویش معنا می‌دهد (۷). هر نوع حرفه اگر با دید صحیح دیده شود، همین‌طور است. الزامی بودن، جایگزین‌ناپذیری، تفرّد و یگانگی حاصل از شخص به انجام‌دهنده کار و شیوه انجام آن بستگی دارد نه به خود کار (۷). درواقع فرانکل بر این نکته تأکید دارد که انسان با تکیه بر معنویات وجودش که همان سیرت است می‌تواند ارزش‌هایی که حقیقتاً در کار و زندگی شخصی با معنا و ارزشمند هستند کشف کند در همین راستا، منظور او از معنا بخشیدن به کار، صرفاً انجام دادن کار و دریافت پاداشی ملموس از قبیل پول، ارتقای موقعیت و نفوذ نیست. بلکه با بها دادن به ارزش‌ها و هدف‌هایی که به نظر غیرملموس، اما حقیقی و معنادار هستند؛ درواقع ژرف‌ترین نیازهای درونی خود را ارج می‌نهد (۵). او بر این باور است هر جایی که انسان مصلحت و نیاز کسی را به خود ترجیح می‌دهد، آن‌گاه پا به منطقه معنای غائی می‌گذارد. برخی این معنای غائی را ارتباط با ذاتی بلندمرتبه‌تر، با خدا، روح خود، باطن خود، عشق و یا با مصلحتی جمعی می‌دانند. مهم نیست که این ارتباط چه نامیده شود بلکه باید به خاطر سپرد که این ارتباط همان ژرفای معناست که می‌تواند زندگی انسان را دگرگون سازد (۵). اصلاً مسئله این نیست که هر فرد در زندگی در چه موقعیتی قرار گرفته یا حرفه‌اش چیست؟ مسئله این است آن شخص باتوجه به جایگاهی که در آن قرار دارد، چگونه جای خالی خود را پر می‌کند و به ایفای نقش می‌پردازد. تحقق یافتن زندگی یک فرد به بزرگی اقداماتی که وی انجام می‌دهد بستگی ندارد؛ بلکه فقط به پر شدن حلقه او بستگی دارد (۶).

کار و امیدواری

فرانکل کار را عاملی می‌داند که سطح امیدواری فرد را افزایش می‌دهد. بنا بر عقیده او کسانی که در اردوگاه کار اجباری این تصور را داشتند که کار وظیفه‌ای است که در انتظارشان است، شانس بیشتری برای زنده ماندن داشتند چون بهتر می‌توانستند خود را با محیط تطبیق داده و مقاومت کنند. او در مورد خودش می‌گوید، وقتی به اردوگاه آشویتس منتقل شدم در آنجا دست‌نویس کتابی را که به همراه داشتم از من گرفتند و معدوم ساختند. میل به دوباره‌نویسی آن کتاب به معنایی تبدیل شد تا من به مبارزه ادامه دهم، سرپا بمانم و سختی‌های اسارت را بهتر تحمل نمایم و بتوانم از آن فضای سبانه و خشونت‌بار جان سالم به دربرم. هنگامی که در تب تیفوس می‌سوختم تکه پاره‌ای کاغذ از این طرف و آن طرف جفت‌وجور می‌کردم و بر روی آن یادداشت‌برداری‌هایم را انجام می‌دادم به امید روزی که آزاد شوم و کتابم را به چاپ برسانم. در تنگناها و مشقات زندان باواریا این کار، امید به آزادی را در دلم زنده نگه می‌داشت. به همین دلیل بود که پاره‌ها به لبه پرتگاه ناامیدی و یأس کشیده شدم اما هرگز به درون آن سقوط نکردم (۴)؛ بنابراین کار و تنش برای پر کردن شکاف عمیق بین آنچه هست و آنچه باید بدان تحقق بخشید ضروری و لازم است چراکه آنچه انسان بدان نیاز دارد داشتن تعادل و بی‌تنشی نیست بلکه تلاشی است که در راه رسیدن به هدفی شایسته با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند (۴).

کار و مسئولیت‌پذیری

بنا بر عقیده فرانکل زندگی وظایف و مسئولیت‌هایی را بر عهده شخص می‌گذارد. این وظایفی که زندگی بر عهده هر شخص می‌گذارد تنها مختص اوست و فقط خود اوست که ملزم به انجام آن است (۶). فرانکل بر این باور است که فردی که از مسئولیت خود در قبال دیگری که مشتاقانه در انتظار اوست و یا در قبال کار ناتمامی باخبر است، هیچ‌گاه زندگی‌اش را به هدر نخواهد داد. او چرای وجودی‌اش را می‌داند و چگونگی آن

کاردرمانی از دیدگاه ویکتور فرانکل و سنجش آن با ...

را نیز هر طور که باشد به دوش می‌کشد (۵). از نظر او زندگی هر روز پرسش و مسئولیتی را برای انسان مطرح می‌کند و هرگز از مطرح کردن پرسش‌های تازه باز نمی‌ماند. موجودی که به کم راضی است خود را از دست می‌دهد چه در عرصه خلاقیت و چه در ساحت تجربه، نباید از کار خود راضی باشد. هر روز و هر ساعت کارهای تازه‌ای پیش می‌آید و تجربه‌هایی تازه امکان‌پذیر می‌شود (۷). انسان هیچ‌گاه نباید به آنچه به دست آورده کفایت کند. زندگی همواره مشکلات و موانعی را پیش و روی او قرار می‌دهد، هیچ‌گاه نمی‌گذارد که برای همیشه آسوده باشد، چیزی نصیب انسانی که تنها نظاره‌گر است نخواهد شد. انسانی که با رضایت خاطر برای همیشه راضی شده و در تکاپوی رسیدن به هدفی نیست، سردرگم خواهد شد. ممکن است که هیچ‌گاه در خلق و یا تجربه زندگی و دستاوردهایش به رضایت دست نیابد، هر روز و هر ساعت مستلزم اقدامات جدید و تجربه‌های جدید است (۵). از این‌رو خود فرد پاسخ‌گوی زندگی خویش است و خود اوست که می‌تواند به پرسش زندگی‌اش پاسخ دهد. پاسخ‌گوی همان زندگی که خودش مسئول آن است؛ بنابراین معنادرمانی و به تبع آن کاردرمانی اصل و جوهره وجودی انسان را در پذیرش این مسئولیت می‌بیند (۴). به عبارت دیگر انسان باید مسئولیت کارها و وظایفی که زندگی روزانه برای او مطرح می‌کند بپذیرد.

کار و تخصص

بنا بر دیدگاه فرانکل شغل فرد باید با علاقه و مهارت او تناسب داشته باشد زیرا در غیر این صورت فرد دچار سرخوردگی می‌شود و در دستیابی به معنا و ارزش زندگی‌اش ناکام می‌ماند (۴). او یکی از مقامات عالی‌رتبه سیاسی آمریکا را مثال می‌زند که جهت روان‌کاوی به مطبش مراجعه کرده بود. فرانکل از گفت‌وگو با او متوجه شد که شغل خود را دوست ندارد و نمی‌تواند سیاست‌های خارجی آمریکا را هضم کند. پس از چند جلسه مصاحبه و درمان حقیقت آشکار گشت. معلوم شد در واقع شغل

او سبب شده در معناجویی‌اش ناکام بماند و تمایل داشت به شغل دیگری روی آورد؛ بنابراین دلیل و انگیزه‌ای نداشت که هم‌چنان در این شغل مانده و ناراضی‌تبی نصیبش گردد. برای همین از شغلش استعفا داد و شغل جدیدی پیدا کرد. پس از مدت‌ها با فرانکل تماس گرفت و اظهار داشت پنج سال است که در شغل جدیدش مشغول است و از کار و زندگی‌اش رضایت دارد. بنا بر عقیده فرانکل این فرد نه اصلاً بیمار بود که نیاز به درمان داشته باشد و نه نیازمند روان‌کاوی بود بلکه درگیر نوعی پریشانی روحی بود که در اثر ناراضی‌تبی شغلی به آن دچار شده بود (۴). فرانکل از دو عامل عشق و خودآگاهی به عنوان عوامل محرک و انگیزه‌بخش انسان در کار یاد می‌کند به باور او این دو مؤلفه عواملی هستند که سبب می‌شوند بدون اندیشیدن در مورد کاری، آن را انجام داد (۵).

سنجش مؤلفه‌های کاردرمانی فرانکل با آموزه‌های

اسلام

گرچه معنادرمانی و به تبع آن کاردرمانی از سوی روان‌شناسان و روان‌پزشکان به جامعه علمی وارد شده است، اما می‌توان مبانی و اصول این علوم را در قرآن کریم نیز یافت؛ زیرا در وصف قرآن چنین گفته شده است: «قُلْ أُنزِلَ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» (فرقان: ۶) در ادامه به سنجش دیدگاه‌های فرانکل با آیات قرآن کریم پرداخته می‌شود:

سنجش مؤلفه کار و معناداری

همان‌طور که فرانکل کار را وسیله‌ای برای رسیدن به زندگی بامعنا در نظر می‌گیرد، در آموزه‌های اسلام نیز کار نه تنها تأمین‌کننده معاش انسان بلکه عامل اصلی رشد معنوی او و دستیابی به معناست. از این‌رو کار در اسلام در ردیف عبادت و جهاد در راه خدا قرار گرفته است. پیامبر اکرم (ص) در روایتی می‌فرماید: «عبادت هفتاد جزء دارد و برترین جزء آن طلب روزی حلال است» (۸). امام صادق (ع) نیز از کارگر به عنوان

مجاهد در راه خدا یاد می‌کند و در این باره می‌فرماید: «کسی که برای کسب روزی خانواده‌اش زحمت بکشد مانند مجاهد در راه خداست» (۹). قرآن کریم در بسیاری از آیات انسان‌ها را به کار و تلاش تشویق نموده: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» (شرح: ۷)، «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» (جمعه: ۱۰). به طوری که در آیه ذکر شده می‌فرماید: در زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جويا شوید. برخی از تفسیرپژوهان در تفسیر آیه فوق بر این باورند که از مصادیق طلب کردن فضل خدا؛ طلب روزی، کسب و تجارت است (۱۰). در برخی از آیات قرآن کریم افزون بر تشویق به کار و تلاش از مشاغل انبیاء الهی یاد شده که در کنار کار تبلیغ و هدایت مردم، برای کسب روزی حلال نیز تلاش می‌کردند. برای مثال در مورد حضرت داود آمده است که: «وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ أَنْ أَمْلَأَ مِصْرَ بَعْلَانَ وَفِي السِّبْطِ وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (سبأ: ۱۱-۱۰). خداوند تعالی آهن را برای داود نرم ساخت برای آن که دوست می‌داشت که از زحمت و دسترنج خود بخورد و زندگی کند پس آهن را برای او نرم کرد و صنعت زره‌سازی را به او آموخت و او اولین کسی بود که زره و لباس رزم را اختراع کرد و آن را می‌فروخت و از بها آن خودش و عیالاتش خورده و زیادی آن را تصدق می‌داد (۱۱). یا در مورد حضرت علی (ع) نقل شده: «هنگامی که از جهاد فراغت پیدا می‌کرد، به آموزش مردم و داوری میان ایشان می‌پرداخت و چون از این تکلیف می‌آسود در باغی که داشت با دست خود کار می‌کرد و در هنگام کار ذکر می‌گفت» (۱۲)؛ بنابراین مطابق آموزه‌های قرآنی و روایی کار کردن در اسلام اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد به طوری که کسی که برای کسب روزی تلاش می‌کند از عابد بیکار برتر دانسته شده و در مقابل بیکاری به شدت مورد مذمت قرار گرفته است. از این رو هم فرانکل و هم آموزه‌های اسلام، انجام دادن کار را یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های معناداری زندگی می‌دانند چراکه از طریق آن به زندگی بامعنا و مفهوم

دست می‌یابند. پس بین دیدگاه فرانکل و آموزه‌های اسلام در مؤلفه کار و معناداری هم‌سویی دیده می‌شود با این تفاوت که آموزه‌های اسلام جایگاه ویژه‌تری برای کار قائل شده به طوری که آن را در ردیف عبادت و جهاد در راه خدا معرفی کرده است.

سنجش مؤلفه کار و سلامت روح و جسم

بنا بر دیدگاه فرانکل کار در سلامت جسم و روح انسان مؤثر است. در مقابل بیکاری، عامل بروز انواع بیماری‌های روحی و روانی و هم‌چنین بیماری‌های جسمی خواهد بود. در گزاره‌های قرآنی و روایی نیز به این حقیقت اشاره شده است. روایاتی وجود دارد که کار کردن و داشتن شغل را باعث سلامت جسم انسان دانسته‌اند. برای مثال امام علی (ع) در روایتی می‌فرماید: «هر که کار کند نیرومندتر شود و هر که در کار کوتاهی ورزد، سستی او افزوده شود» (۱). یا در حدیث دیگری از رسول خدا (ص) نقل شده: تندرستی ده جزء دارد که نه جزء آن تلاش در جهت به دست آوردن مخارج زندگی است و یک جزء آن در سایر چیزهاست (۱۳). افزون بر تأثیر کار بر سلامت جسم، کار کردن بر سلامت روح و روان فرد نیز تأثیرگذار است. پیامبر (ص) در روایتی درباره تأثیر کار بر آرامش انسان می‌فرماید: «انسان هرگاه نیازمندی‌های خود را تأمین کرد، آرام می‌گیرد» (۸). امام صادق (ع) نیز در این زمینه بر این باورند که: «اگر تمام نیازهای مردم تأمین شده بود از زندگی لذت نمی‌بردند. اگر انسانی مدتی ساکن مکانی شود و همه نیازهای او فراهم باشد از بیکاری خسته می‌شود و مایل است خود را مشغول کند» (۱۴). شخص بیکار در اسلام ملعون شناخته شده به طوری که پیامبر (ص) در این باره بر این عقیده‌اند که: «هر کس بار زندگی خویش را بر دوش دیگران نهد ملعون است» (۱۵). قرآن کریم نیز در وصف منافقان آن‌ها را به سستی و کسالت در نماز و کراهت در انفاق معرفی می‌کند: «وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كَسَالٌ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ» (توبه: ۵۴). بنابراین عقیده برخی از تفسیرپژوهان آن‌ها با حالت کسالت نماز را به پا می‌دارند. این

کاردرمانی از دیدگاه ویکتور فرانکل و سنجش آن با ...

سرزندی برای آن‌هاست زیرا نماز را به شیوه‌ای غیر از آنچه به آن‌ها دستور داده شده است به‌جا می‌آورند از روی ریا که منجر به کسالت و تنبلی می‌شود (۱۶). به عبارت دیگر مطابق آیه فوق کسالت و تنبلی از سوی خداوند مورد نکوهش قرار گرفته است؛ بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده در سنجش دیدگاه فرانکل با آموزه‌های اسلام در مؤلفه کار و سلامت روح و جسم باید بیان داشت هر دو دیدگاه کار را باعث سلامت روح و جسم انسان دانسته و بیکاری را عامل بروز بیماری‌های مختلف در نظر گرفته‌اند از این رو بین دو دیدگاه در این مؤلفه هم‌سویی دیده می‌شود.

سنجش مؤلفه کار و اخلاص

به باور فرانکل شغل فرد وقتی ارزش و معنا پیدا می‌کند که شخص فراتر از وظایفی که به او محول شده عمل کند یا مصلحت دیگران را به منافع خود ترجیح دهد. این مسئله در آموزه‌های اسلام با عنوان اخلاص در عمل بیان شده به این معنا که هرگاه شخص عملی را انجام می‌دهد به کمترین اجر نظری نداشته باشد بلکه صرفاً به دنبال رضایت حق تعالی باشد. خداوند انسان‌ها را امر به داشتن اخلاص می‌کند و در مقابل عمل بدون اخلاص را بی‌ارزش می‌داند برای نمونه در آیات: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حَنِفَاءً وَيَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» (بینه: ۵)، «فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (غافر: ۱۴). از مردم می‌خواهد که خالصانه خدا را عبادت کنند اگرچه کافران از این امر کراهت داشته باشند (۱۷). در روایات نیز نمونه‌هایی از توصیه‌های اهل بیت (ع) مبنی بر داشتن اخلاص در عمل وجود دارد. پیامبر (ص) در روایتی می‌فرماید: «سه چیز است که قلب هیچ مسلمانی نباید درباره آن خیانت بکند؛ اخلاص عمل برای خدا، خیرخواهی برای پیشوایان اسلام و ملازمت جماعت مسلمین» (۸). یا در روایت دیگری از امام علی (ع) نقل شده: «رقابت عاقلان و اندیشمندان با یکدیگر در اخلاص

عمل است» (۱). افزون بر موارد فوق خداوند درباره پاداش افرادی که اعمال با اخلاص انجام می‌دهند، می‌فرماید: «وَمَا تَجْزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ» (صافات: ۴۰-۳۹). همه مردم پاداش متناسب با عمل کاری را که انجام داده‌اند می‌گیرند، مگر بندگان مخلص خدا، عمل ایشان هر چه که باشد، پاداش‌شان بی‌نهایت خواهد بود. بنابراین عقیده برخی از تفسیرپژوهان بندگان مخلص خدا رزقی معلوم دارند ماورای جزای اعمالشان (۱۰)؛ بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده در سنجش دیدگاه فرانکل و آموزه‌های اسلام در مؤلفه کار و اخلاص باید بیان داشت که فرانکل داشتن شغل و انجام دادن کار را فی‌نفسه ارزشمند نمی‌داند بلکه شغلی را ارزشمند می‌داند که شخص فراتر از وظایفش به دیگران خدمت کند. در آموزه‌های اسلام نیز این مسئله بیان شده و با عنوان اخلاص در عمل معرفی شده به طوری که آموزه‌های اسلام عمل بدون اخلاص را بی‌ارزش تلقی کرده است.

سنجش مؤلفه کار و امیدواری

همان‌طور که فرانکل بر این باور است که کار کردن و داشتن شغل، امید را در زندگی انسان زنده نگه می‌دارد. در آموزه‌های اسلام پس از تشویق انسان‌ها به انجام عمل صالح از آن‌ها می‌خواهد که به رحمت خداوند امیدوار باشند. به عبارت دیگر امید به لطف پروردگار مشروط به انجام عمل صالح است. برای مثال خداوند در وصف مؤمنان آن‌ها را افرادی معرفی می‌کند که هجرت کردند و در راه خدا جهاد کردند و به رحمت پروردگارش امیدوارند: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره: ۲۱۸). بنا بر نظر برخی از مفسران آیه مورد بحث، امیدواری به رحمت خدا را وصف اهل ایمان، اهل هجرت و اهل جهاد می‌داند چراکه رجا (امید) برای کسانی اثربخش است که اهل ایمان و عمل باشند و هرگز امید بدون ایمان و عمل روا نیست (۱۸). یا در جای دیگر امید به لقاء

پروردگار را منوط به انجام عمل صالح می‌داند: «فَمِنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف: ۱۱۰)؛ بنابراین هرکس امید دارد پروردگارش را با حالی نیکو ملاقات کند و او را در دیداری خشنود و راضی ببیند باید عمل صالح انجام دهد، در عبادت خود برای خدا شریکی قرار ندهد، در اعمال خود اخلاص را به کارگیرد و خودنمایی نکند (۱۹). در گزاره‌های روایی نیز احادیثی در باب عمل صالح و امیدواری وجود دارد. به امام صادق (ع) عرض شد: «عده‌ای هستند که گناه می‌کنند و می‌گویند: ما به رحمت خدا امیدواریم و پیوسته در همین حال‌اند تا مرگشان فرارسد. ایشان فرمودند این‌ها مردمانی‌اند که در آرزوها و خیالات خود غرق هستند. دروغ می‌گویند و امیدوار نیستند، زیرا هر که به چیزی امید داشته باشد در طلب آن می‌کوشد و هر که از چیزی بترسد از آن می‌گریزد» (۸). مطابق حدیث فوق انسانی که عمل صالح انجام بدهد به رحمت خداوند امیدوار است؛ بنابراین فعل او بر امیدش باید تقدم داشته باشد. در آموزه‌های اسلام انجام عمل صالح باعث امیدواری انسان به رحمت خداوند معرفی شده به این معنا که آن که عمل صالح انجام دهد می‌تواند به رحمت خداوند امیدوار باشد. از این‌رو بین دو دیدگاه در مؤلفه کار و امیدواری مشابهت دیده می‌شود با این تفاوت که آموزه‌های اسلام امید را منحصر به رحمت خداوند متعال نموده در حالی که فرانکل مطلق امید را مطرح کرده است.

سنجش مؤلفه کار و مسئولیت‌پذیری

به باور فرانکل زندگی وظایف و مسئولیت‌هایی بر عهده فرد می‌گذارد که هر شخص خود ملزم به انجام آن است. در آموزه‌های اسلام نیز انسان مسئول اعمال خود معرفی شده است. به گونه‌ای که در برابر وظایف خویش در جهان آخرت باید پاسخ‌گو باشد: «كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةً» (مدثر: ۳۸)؛ بنابراین هر نفسی در پیشگاه خدا درگرو اعمالی است که کسب کرده و از آن جداشدنی نیست (۱۱)؛ و هیچ‌کس بار

گناه دیگری را به دوش نخواهد کشید: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (فاطر: ۱۸). به عبارت دیگر احدی بار گناه دیگری را حمل نمی‌کند و سنگینی گناه هیچ‌کس بر شخص دیگر نیست هر چند که خویشاوند گناهکار باشد (۲۰). البته هیچ انسانی هم فراتر از توانایی و مسئولیت خود، تکلیف نخواهد شد «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره: ۲۸۶). تکلیف نکردن خدا به بیش از توانایی فردی و جمعی انسان از سنت‌های عمومی پروردگار در میان همه امت‌هاست (۱۸). بلکه متناسب با آنچه تلاش کرده، پاداش دریافت خواهد کرد: «وَأَنْ لِّئِنَّ لِلْإِنْسَانَ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹). چراکه سعی به معنی تلاش و کوشش است. از این‌رو بهره انسان به میزان تلاشی است که انجام داده هر چند به مقصود خود نرسد چون نیت خیر داشته، پاداش آن را دریافت خواهد کرد؛ زیرا خداوند خریدار نیت‌ها و اراده‌هاست (۲۱). به هر حال انسان مسلمان موظف است نسبت به شغل و کار خود احساس مسئولیت داشته باشد و آن را به درستی و بر پایه مسئولیتی که به عهده گرفته است، انجام دهد. کم‌کاری، کم‌فروشی، تقلب، قبول رشوه و... نشان از عدم تعهد و فقدان مسئولیت در برابر کار است. امام علی (ع) در روایتی می‌فرماید: «از کوتاهی کردن بپرهیزید که آن موجب سرزنش است» (۱). یا درباره کم‌فروشی آمده است: «فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» (اعراف: ۸۵). به پیمانانه و ترازو خیانت نکنید، عدالت را رعایت کنید و حق مردم را کم ندهید (۲۲). پیامبر (ص) در این باره می‌فرماید: «هیچ گروهی کم‌فروشی نکردند مگر این‌که زراعت آن‌ها از بین رفت و قحطی آن‌ها را فروگرفت» (۱۴). آن حضرت در روایت دیگری رشوه‌گیری را معادل کفر دانسته: «از رشوه گرفتن بپرهیزید که کفر محض است و رشوه‌گیر، بوی بهشت را استشمام نمی‌کند» (۱۴). باتوجه به مطالب ذکرشده در سنجش دیدگاه فرانکل با آموزه‌های اسلام در مؤلفه کار و مسئولیت‌پذیری باید گفت که فرانکل بر این عقیده است که زندگی وظایفی

کاردرمانی از دیدگاه ویکتور فرانکل و سنجش آن با ...

را بر عهده هر شخص گذاشته که فقط خود او ملزم به انجام آن است. در آموزه‌های اسلام نیز انسان به‌عنوان یک موجود مسئول آفریده شده که در قبال وظایف خود باید در سرای آخرت پاسخ‌گو باشد از این رو بین این دو دیدگاه در مؤلفه کار و مسئولیت‌پذیری هم‌سویی وجود دارد.

سنجش مؤلفه کار و تخصص

مطابق دیدگاه فرانکل شغل هر فرد باید باعلاقه و مهارت وی متناسب باشد تا فرد دچار سرخوردگی نشود. در آموزه‌های اسلام نیز به این مسئله توجه شده و به لزوم تخصص در کار و حرفه بسیار تأکید شده است. حضرت یوسف (ع) از عزیز مصر می‌خواهد تا او را به سرپرستی خزانه‌داری منسوب نماید: «اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف: ۵۵).

چراکه نگهبانی داناست. به‌عبارت‌دیگر هم به امور درآمد و هزینه مسلط است و هم به راه‌های مصرف آگاهی دارد (۲۳). تخصص و امانت‌داری دو عنصر مهم در پذیرش مسئولیت است. به‌طوری‌که قرآن کریم درباره حضرت موسی (ع) به آن اشاره کرده است: «يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص: ۲۶). دختر حضرت شعیب (ع) از پدرش می‌خواهد که حضرت موسی را اجیر و استخدام کند، چراکه او مردی نیرومند و امین است و معلوم است که بهترین اجیر کسی است که قوی و امین باشد (۱۰). در داستان حضرت سلیمان (ع) نیز به این دو عنصر توجه شده: «قَالَ عِفْرِيتُ مَنِ الْجِنَّ أَنَا أَيْتِكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لِقَوِيٍّ أَمِينٌ» (نمل: ۳۹). سلیمان (ع) به بزرگان لشکر خود گفت: چه کسی تخت او را پیش از آن که به‌عنوان تسلیم پیش من آیند به این جا می‌آورد؟ دیو نیرومندی از جنیان گفت: پیش از آن که از مجلس قضاوت برخیزی تختش را پیش تو حاضر می‌کنم که من بر آوردن آن در یک مدت کوتاه قادر و برای حفظ جواهراتی که در آن است امینم (۱۱)؛ بنابراین هرکاری باید توسط افراد توانمند و امین انجام شود تا به سامان برسد. امام علی (ع)

یکی از دلایل انحطاط دولت‌ها را سپردن مسئولیت به اراذل و از صحنه خارج کردن افاضل می‌داند و در این باره می‌فرماید: «چهار چیز نشانه به سر آمدن دولت‌هاست: فرو گذاشتن اصول، چسبیدن به فروع، مقدم داشتن فرومایگان و عقب زدن مردمان با فضیلت و لایق» (۱). از این رو در سنجش دیدگاه فرانکل و آموزه‌های اسلام در مؤلفه کار و تخصص باید بیان داشت هر دو دیدگاه داشتن تخصص، مهارت و علاقه را در کار ضروری دانسته‌اند چراکه عدم مهارت و علاقه انسان را به ناکامی می‌کشاند؛ بنابراین بین دو دیدگاه در این مؤلفه تشابه وجود دارد با این تفاوت که آموزه‌های اسلام به داشتن دو ویژگی تخصص و امانت‌داری اهمیت بیشتری داده است.

نتیجه‌گیری

از مباحث مطرح‌شده نتایج ذیل حاصل شد:

- 1- کاردرمانی یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی موردتوجه آموزه‌های اسلام و ویکتور فرانکل است.
- 2- ویکتور فرانکل در اردوگاه‌های کار اجباری به جهت معنادادن به زندگی به‌سوی مفاهیمی چون کاردرمانی، اختیاردرمانی، مرگ‌درمانی و رنج‌درمانی گرایش یافت.
- 3- ویکتور فرانکل در کاردرمانی قائل به معناداری کار است و در این زمینه مؤلفه‌هایی چون؛ کار و معناداری، کار و سلامت روح و جسم، کار و اخلاص، کار و امیدواری، کار و مسئولیت‌پذیری و کار و تخصص را مطرح کرده است.
- 4- در مؤلفه کار و معناداری بین دیدگاه فرانکل و آموزه‌های اسلام هم‌سویی دیده می‌شود. هر دو کار و داشتن شغل را باعث معناداری زندگی می‌دانند با این تفاوت که آموزه‌های اسلام جایگاه آن را بالاتر و در ردیف عبادت و جهاد در راه خدا معرفی می‌کند.
- 5- در مؤلفه کار و سلامت روح و جسم هم‌نظر مشابهی دارند، کارکردن را باعث سلامتی و بیکاری را عامل بروز انواع بیماری‌های روحی و جسمی می‌دانند.

6- در مؤلفه کار و اخلاص نیز هم‌سو و هم‌عقیده هستند. فرانکل بر این باور است که ارزش و معنای کار هر شخص در ورای وظایف او نمود پیدا می‌کند این امر در آموزه‌های اسلام با عنوان اخلاص در عمل معرفی شده است.

7- کار و امیدواری نیز از مؤلفه‌هایی است که فرانکل و آموزه‌های اسلام دیدگاه مشترکی در این باب دارند. فرانکل کار را باعث امیدواری و آموزه‌های اسلام، امید را مشروط به انجام عمل صالح می‌دانند. با این تفاوت که در فرهنگ اسلام امید داشتن منحصر به رحمت خدای تعالی شده است.

8- در مؤلفه کار و مسئولیت‌پذیری هم‌سو و هم‌نظر هستند که انسان در برابر وظایف خود باید پاسخ‌گو و مسئولیت‌پذیر باشد.

9- لزوم تخصص در کار از مؤلفه‌های مشترک فرانکل و آموزه‌های اسلام است با این تفاوت که آموزه‌های اسلام به دو اصل تخصص و امانت‌داری در این حوزه تأکید ویژه‌ای داشتند.

Reference

1. The Holy Quran, translated by: Mohammad Mehdi Foladvand.
2. Nahj al-Balagha.
3. Tamimi Amidi, A. Gharr al-Hikam and Durr al-Kalam. Second edition, Qom: Dar al-Kutb al-Islamiyyah: 1410 AH.
4. Frankl V. Meaning Therapy (Basics and Applications of Meaning Therapy). Twelfth edition, Translator: Mahin Milani, Tehran: Liosa: 1401 AH.
5. Frankl V. Meaning Therapy. Bicha, Translator: Fatemeh Shoaibi, Bija: 2013.
6. Frankl, V. Man's Search for Meaning. First edition, translated by Kamyar Zarei, Tehran: Fanous Sepehr: 1402 AH.
7. Patakos A. In the Captivity of Your Thoughts (Viktor Frankl's Principles at Work). Translators: Ali Mohammad Goodarzi; Samireh Ahmadi. First Edition. Tehran: Rasa, 2009.
8. Frankl V. Yes to Life in the Struggle of Adversity. translated by Zoha Hosseini Nasr. Second edition. Tehran: Gutenberg, 1401 AH.
9. Frankl V. The Physician and the Soul. Seventh edition. translated by Farrokh Seif Behzad. Tehran: Liosa: 1401 AH.
10. Kulani M. Al-Kafi. Researcher: Ali Akbar Ghaffari. fourth edition. Tehran: Dar Al-Kutb Al-Islamiyah: 1407 AH.
11. Ibn Babawayh M. Man la-yahzorah al-Faghih. Researcher and editor: Ali Akbar Ghaffari. second edition. Qom: Islamic Publications: 1413 AH.
12. Tabatabaei M. Al-Mizan fi tafser al Qur'an. First edition. Beirut: Al-Alamy Institute for Printing. 1390.
13. Tabarsi F. Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran. Third edition. Tehran: Nasser Khosrow. 1372.
14. Nouri H. Mustadrak al-Wasail and Mustanbat al-Masal. Bicha. Beirut-Lebanon: Al-Al-Bayt Institute. 1408 AH.
15. Muttaqi A. Kanz al-Ummal fi Sunan al-Aqwal wa al-Afaal. Bichha. Beirut: Dar al-Kutb al-Ilmiyah. 1419 AH.
16. Majlisi M. Bihar al-Anwar al-Jamaa leder Akhbar al-Imam al-Athar. Bicha. Beirut: Dar Ihya al-Tarath al-Arabi: 1403 AH.
17. Hurr Amili M. Ta'zir Wasa'il al-Shi'ah il-Tashil Mas'il al-Shari'ah. first edition. Qom: Al-

Bayt. 1104AH.

18. Tusi M. Al-Tabiyan fi Tafsir al-Quran. first edition. Beirut: Dar Ihya al-Turat al-Arab. Beta.
19. Tabari M. Jame' al-Bayan fi tafsir al-Quran. First edition. Beirut: Dar al-Ma'rifah. 1412 AH.
20. Jawadi Amoli A. Tafsir al-Tasnim. first edition. Qom: Israa. 1378.
21. Zamakhshari M. Al-Kashf an Haqqat an Ghawmat al-Ghwamad al-Tanzil wa 'Ayyun al-Aqawil fi Johjud al-Ta'wil. third edition. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. 1407.
22. Ibn Ashur M. Tafsir al-Tahrir wa al-Tanvir. first edition. Beirut: Arab History Institute. 1420.
23. Makarem Shirazi N. Tafsir al-Numneh. Ten edition. Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyah. 1992.
24. Mughniyah M. Tafsir al-Kashif. First edition. Qom: Dar al-Kitab al-Islami. 1424AH.
25. Alusi M. The Spirit of Meaning in the Interpretation of the Great Quran and the Seven Seconds. first edition. Beirut: Dar al-Kutb al-Ilmiyah 1415 AH.

Occupational therapy from the perspective of Viktor Frankl and its comparison with the teachings of Islam in lifestyle

1*, 2,3

Abstract

Background and Objective: One of the meaningful ways of life is to do work. In his method of semantic therapy, Viktor Frankl mentions work as one of the components of semantic therapy. Occupational therapy means doing work, creating and producing an effect, and accepting responsibility in life. This method is an important factor in mental health and a sense of meaning in an individual's lifestyle. The teachings of Islam also refer to the importance of work and effort: "And there is nothing for man except what he strives for" (Najm: 39). Therefore, this study was organized with the aim of evaluating the components of Frankl's occupational therapy with the teachings of Islam in lifestyle.

Methodology: In this study, an attempt has been made to examine and evaluate Viktor Frankl's view on occupational therapy with the teachings of Islam as an example of a correct lifestyle, using a descriptive-analytical method and a comparative approach.

Findings: By examining occupational therapy from Frankl's perspective and comparing it with the teachings of Islam, the following results were obtained: Frankl has proposed components such as work and meaningfulness, work and health of mind and body, work and sincerity, work of hope, work and responsibility, and work and expertise in the discussion of work.

Conclusion: There is an alignment between Frankl's occupational therapy components and the teachings of Islam, with the difference that in the component of work and meaningfulness, the teachings of Islam have introduced the status and importance of work much higher than Frankl and in the same line as worship and jihad in the way of God. In the component of work and hope, the teachings of Islam have considered hope to be exclusive to the mercy of God, and Frankl has referred to the absoluteness of hope, and in the component of work and expertise, the teachings of Islam have emphasized the two principles of expertise and trustworthiness, while Frankl did not mention the element of trustworthiness.

Keywords: lifestyle, occupational therapy, Quran, semantic therapy, Viktor Frankl.

1. (Corresponding).
- 2.
- 3.